

۲ بهمن ۱۳۹۵ - شماره: ۷۰

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

جلوهای از ملکوت

بازخوانی گفتاری از
علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

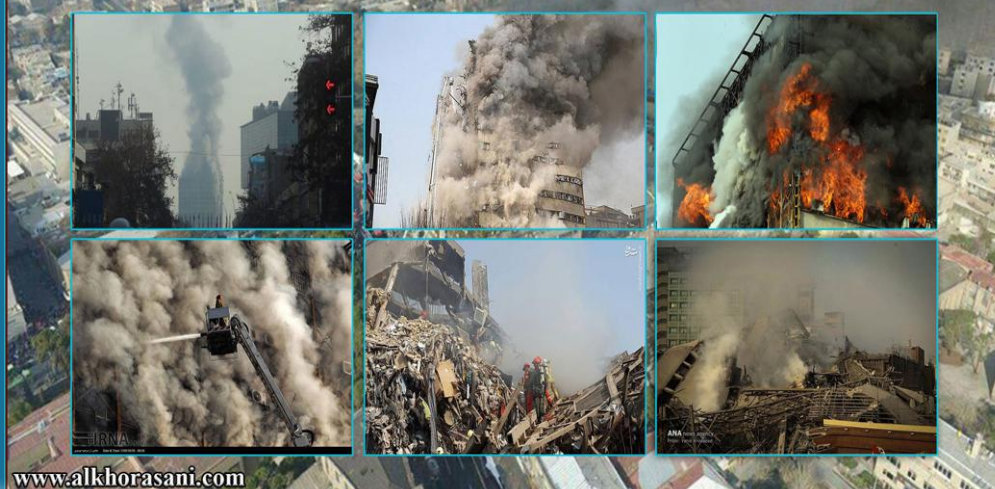
نویسنده مقاله:

سعید قنبری

توجه: دیدگاه‌های منتشر شده در پایگاه، دیدگاه‌های ارسال شده توسط کاربرانند و لزوماً دیدگاه‌های این دفتر محسوب نمی‌شوند.

بسم الله الرحمن الرحيم

«و تو ای ... [نام شهری] که مانند عروسی در حجله آراسته‌ای! چگونه خواهی بود؟! کاش می‌دانستم! هنگامی که کنگره‌ی برج‌هایت در شعله‌های آتش می‌سوزد و بادهای ناآرام، خاکسترت را در هوای غبار آلود جهان پراکنده می‌گرداند. آه، که چه شب‌های بلندی در پیش است!»
(فرازی از گفتار ۴۰ علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى پیش از آتش‌سوزی و ویرانی برج تهران)



بی‌گمان گذر زمان، علم، صداقت و مقام والای اولیاء خداوند را بر مردم آشکارتر می‌کند. چندین ماه پیش گفتاری نورانی و تکان دهنده از جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى با عنوان «خطبه‌ای از آن جناب که در آن مردم را به سوی مهدی دعوت می‌کند و از فتنه‌ی داعش خبر می‌دهد» در پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان منتشر شد. ایشان در پایان این خطبه‌ی اسرارآمیز که خطاب به تکذیب کنندگان‌شان ایراد کردند، پس از تأکید بر صداقت خود و وارد نبودن اتهامات بدگویان و بداندیشان، با فصاحت و بلاغتی مخصوص به خود - که در نظر عاقلان خود کرامتی محسوب می‌شود - از تسلط «مردی بزرگ‌شکم و بدسرشت» بر مسلمانان و «چوشیدن» و «نوشیدن» خون آنان در آینده‌ی نزدیک خبر دادند و سپس خطاب را متوجه شهری کردند و با نام بردن از آن فرمودند:

«و تو ای ... [نام شهری] که مانند عروسی در حجله آراسته‌ای! چگونه خواهی بود؟! کاش می‌دانستم! هنگامی که کنگره‌ی برج‌هایت در شعله‌های آتش می‌سوزد و بادهای ناآرام، خاکسترت را در هوای غبار آلود جهان پراکنده می‌گرداند. آه، که چه شب‌های بلندی در پیش است!».

هر چند پایگاه اطلاع‌رسانی آن جناب، «بنابر برخی ملاحظات امنیتی و حساسیت‌های موجود در منطقه» (شرح گفتار) نام این شهر را از گفتار ایشان حذف کرده بود، برای کسانی مانند من که با نگرانی‌ها و محدودیت‌های این پایگاه اسلامی در آن زمان خاص آشنایی داشتند تقریباً تردیدی نبود که خطاب ایشان در این خبر غیبی، متوجه «تهران» پایتخت ایران است؛ شهری که بیشترین تکذیب‌ها و اتهامات نسبت به ایشان و بیشترین تعقیب‌ها و آزارها نسبت به یارانشان از آنجا راه‌اندازی و مدیریت می‌شد و تبعاً نام بردن از آن می‌توانست مشکلات جدیدی را به دنبال آورد. با این حال، برای من و احتمالاً بسیاری دیگر - با وجود ایمانی که به صدق وعده‌ی این ولی خداوند داشتیم - قابل تصور نبود که چه اتفاقی ممکن است در تهران بیفتد تا «کنگره‌ی برج‌هایش در شعله‌های آتش بسوزد و بادهای ناآرام، خاکسترش را در هوای غبار آلود جهان پراکنده گرداند!» از این رو، گاهی سخن آن جناب را گونه‌ای تشبیه و استعاره می‌پنداشتیم و بر وقوع ویرانی و آتشی معنوی در این شهر حمل می‌کردیم، تا اینکه سرانجام اتفاقی عجیب و هولناک در آن واقع شد و ما و همه‌ی مردم ایران و بسیاری از مردم جهان را شگفت‌زده و متأثر کرد! در تاریخ ۳۰ دی (جدی) ۱۳۹۵ هجری شمسی، آتش‌سوزی بزرگ و مهیبی در کنگره‌ها یعنی طبقات فوقانی یکی از برج‌های قدیمی و معروف تهران موسوم به «پلاسکو» - که نخستین برج مرتفع و مدرن ایران بود - روی داد و به قدری گسترش یافت که آن را به طور کامل ویران و به تلی از خاکستر تبدیل کرد و دود و غبار ناشی از آن در آسمان این شهر که مجلل‌ترین شهر ایران و «مانند عروسی در حجله آراسته است» نمایان شد و به اعلام عزای عمومی در این کشور و نیمه‌افراشته شدن پرچمش در سفارتخانه‌ها انجامید و توجه افکار عمومی جهان را به خود جلب نمود و شگفت آنکه این رویداد، «متأسفانه» در اوج سرمای زمستان واقع شد؛ زمانی که «بلندترین شب‌های سال در پیش است»!

با این حال، من که گفتار شگفت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی را در خاطر نداشتم، هنوز متوجه مطابقت شدید این رویداد بی‌سابقه و فاجعه‌بار با خبر غیبی آن جناب در مدت‌ها پیش نبودم، تا اینکه در فیس‌بوک با پست دانشمند محترم جناب آقای دکتر ذاکر معروف مواجه شدم. ایشان در صفحه‌ی فیس‌بوک خود با یادآوری گفتار شگفت این عظیم الشان نوشتند:

«تصاویر آتش‌سوزی برج معروف تهران و تبدیل شدن آن به خاکستر و انتشار اخبارش در جهان را دیدم. ناخواسته به یاد این گفتار شگفت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در گذشته افتادم:

«و تو ای ... [نام شهری] که مانند عروسی در حجله آراسته‌ای! چگونه خواهی بود؟!»

کاش می‌دانستم! هنگامی که کنگره‌ی برج‌های آتش می‌سوزد و بادهای ناآرام، خاکسترت را در هوای غبار آلود جهان پراکنده می‌گرداند. آه، که چه شب‌های بلندی در پیش است!». >

(فرازی از گفتار ۴۰) >

اینجا بود که ناخواسته زبان به تکبیر گشودم و اشک از دیدگانم سرازیر شد و دریافتم که مقام این انسان بزرگ تا چه اندازه رفیع است؛ تا اندازه‌ای که گویی از مدّت‌ها قبل، این فاجعه‌ی هولناک را با چشم خود دیده و با جزئیاتش توصیف فرموده است؛ همچنانکه ظهور پیشوای داعش را مشاهده فرموده و از ظاهر او و جنایاتش در میان مسلمانان خبر داده است!

تردیدی نیست که کرامات اولیاء خداوند حقّ است و از اتّصال ارواح طیّبه‌ی آنان با ملکوت اعلی و سلوک‌شان در صراط پروردگار حکایت می‌کند. پس کاش کسانی که هنوز به عظمت این شخصیت الهی پی نبرده‌اند و به سوی او با دیده‌ی تردید می‌نگرند، با مشاهده‌ی این نشانه‌های آشکار به خود بیایند و از خواب غفلت بیدار شوند و دعوت او به سوی زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السّلام - که چیزی جز خیر و صلاح آنان نیست - را لَبّیک گویند؛ خصوصاً با توجّه به آنکه بیشتر این مصائب و بلایای خبر داده شده، عقوبت خداوند در ازای غفلت، ناسپاسی و رویگردانی آنان است و در صورت عدم توبه و اصلاحشان، می‌تواند با شدّت و وسعت بیشتری تکرار شود.

﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰی ۚ اَللّٰهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُوْنَ﴾ (نمل / ۵۹)